

سیره قرآنی امام محمد باقر(ع)

به بهانه سالروز شهادت پنجمین امام شیعیان...



به بهانه سالروز شهادت پنجمین امام شیعیان

سیره قرآنی امام محمد باقر(ع)

3

خداوند بندگان شایسته ای را آفریده است تا بر دیگران حجّت باشند. آنان بر پادارنده اوامر الهی و نخبگان علم خدا هستند. قتاده پس از یک سکوت طولانی گفت: به خدا سوگند من تاکنون در برابر فقیهان بسیاری نشسته ام، ولی آن گونه که در برابر شما مضطرب شده ام در مقابل هیچ یک از آنان اضطراب مرا در بر نگرفت. امام باقر(ع) فرمود: تو می دانی کجا نشسته ای؟ تو در مقابل خاندانی هستی که خداوند در شأن و مقام آنان فرموده است: فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذكر فیها اسم یسبح له فیها بالغدو و الاصال رجال لا تلهیهم تجارة و لا بیع عن ذکر الله و اقام الصلاة و ایتاء الزکوة... (سوره نور، آیات 36-37) این چراغ فروزان در خانه هایی قرار دارد که خداوند دستور داده آن را بالا برند، خانه هایی که نام خدا در آن ها برده می شود و شب و روز در آن ها خداوند را تسبیح می گویند. پاک مردانی که هیچ تجارت و کسبی آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات غافل نمی کند. امام(ع) در ادامه فرمود: ما همان خاندانی هستیم که خداوند این گونه توصیف نموده است. (بحارالانوار، ج 46، ص 358)

* تبیین فرهنگ اجتهاد

یکی از شاخه های مهم علوم اسلامی علم اصول است که به کمک آن می توان احکام دینی را از ادله و براهین شرعی استنباط و استخراج نمود. تمام دانشمندان شیعی معتقد هستند که امام باقر(ع) نخستین کسی است که این علم را تأسیس نمود و قواعد آن را تدوین و جمع آوری کرد و از این رهگذر دروازه اجتهاد را به روی دانشمندان و طالبان علوم اسلامی باز نمود. (حیة الامام محمد الباقر، باقر شریف قرشی، ج 1، ص 226)

بنابراین آن حضرت در دوران امامت خویش به رغم این که عرصه فرهنگی جامعه گرفتار چالش های عقیدتی و درگیری های مختلف فقهی بود، سعی نمود تا با تبیین شیوه های صحیح اجتهاد به نهادینه ساختن این فرهنگ بین دانشمندان علوم اسلامی اقدام نماید.

زرارة بن اعین و محمد بن مسلم ثقفی که از بزرگ ترین راویان احادیث اهل بیت(ع) قلمداد می شوند، در روایتی می گویند: از امام باقر(ع) در مورد نماز مسافر سؤال کردیم. امام(ع) فرمود: خداوند در قرآن می فرماید: واذا ضربتم فی الأرض فلیس علیکم جناح ان تقصروا من الصلوة... (سوره نساء، آیه 101) هنگامی که سفر می روید، بر شما گناهی نیست که نماز خود را کوتاه کنید... به امام عرض کردیم: خداوند فقط فرموده بر شما گناهی نیست و نفرموده: افعلو که ظهور در وجوب داشته باشد.

پس چگونه از این آیه فهمیده می شود که واجب گردانیده است؟ امام فرمود: آیا نمی دانید که خداوند در مورد صفا و مروه فرموده است: فمن حجّ البیت او اعتمر فلاجناح علیه ان یتطوف بهما... (سوره بقره، آیه 158) پس هر کس حجّ خانه خدا و یا عمره را به جا آورد، بر او گناهی نیست که سعی بین صفا و مروه را انجام دهد...

آیا نمی بینید که طواف آن دو (صفا و مروه) واجب شده است؟ چون خداوند در قرآن آورده و پیامبر(ص) نیز بدان عمل کرده است.

تقصیر در سفر نیز همین گونه است که پیامبر(ص) بدان عمل کرده است و پروردگار متعال نیز آن را در کتابش آورده است.

زراره در جای دیگر می گوید: از امام محمد باقر(ع) سؤال کردم: شما در مسح پا و سر، تمام سر و پا را مسح نمی کنید، بلکه مسح مقداری از آن را کافی می دانید، آیا ممکن است بیان کنید که این حکم را چگونه و از کجا بیان می فرمایید؟

امام(ع) با تبسمی پاسخ داد: این همان مطلبی است که در قرآن کریم آمده است. خداوند می فرماید: ...وامسحوا برؤسکم... (سوره مائده، آیه 6) و سرهایتان را مسح کنید. و نفرموده است: وامسحوا رؤسکم بنابراین وقتی قرآن می

گوید: برؤسکم مقداری از مسح سر کافی است و این مطلب از کلمه ب که حرف جاژه است فهمیده می شود و در واقع امام حرف باء را باء تبعیضیه در نظر گرفته است که دلالت بر جزء از کل می کند. امام در ادامه فرمود: در عبارت وارجلکم الی الکعبین کلمه ارجل عطف به رؤس است بنابراین می فهمیم که مسح قسمتی از پا برای وضو کافی است و این همان چیزی است که پیامبر اکرم(ص) آن را برای مردم تفسیر کرده بود اما مردم به سخن ایشان هیچ توجهی نکردند و آن را تباه ساختند. (وسائل الشیعه، محمد بن حسن

حر عاملی، ج 1، ص 290)

* اثبات مقام امامت

امام باقر(ع) برای شناساندن جایگاه امامت به مردم و جلب دل ها به سوی محبت اهل بیت(ع) از هیچ کوششی فروگذار نبود و درصدد بود تا با این شیوه جایگاه امامت و ولایت را به گونه ای روشن برای مردم ترسیم کند. ایشان به منظور اثبات مقام امامت در کودکی به ائمه اطهار(ع) آیه ای از قرآن را که در شأن و مقام حضرت یحیی(ع) است، مورد استناد قرار می دهد:

یا یحیی خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَ آتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا؛

(سوره مریم، آیه 12) ای یحیی! دستورات آسمانی را با تمام توان فراگیر و ما در همان سن کودکی مقام نبوت را به وی عطا کردیم.

یک سال امام محمد باقر(ع) و فرزندش امام صادق(ع) به فرمان هشام بن عبدالملک (دهمین خلیفه بنی امیه) به شام دعوت شدند درباریان مشغول تیراندازی بودند و هشام اصرار نمود که حضرت باقر(ع) هم در این برنامه شرکت کند. آن حضرت کمان را به دست گرفت و تیر به زه آن نهاد، به طوری که با پرتاب آن درست وسط هدف قرار گرفت و تیرهای بعدی بر پیکان تیر اول فرود آمد. هشام ظاهراً این کار را تحسین نمود ولی از همان موقع نقشه بر شهادت رساندن آن امام را در سر پروراند. هشام خطاب به ایشان گفت: تاکنون تیراندازی بدین زبردستی ندیده بودم و گمان نمی کنم کسی به اندازه تو این گونه توانایی و مهارت داشته باشد! هشام در ادامه گفت: آیا فرزندان جعفر می تواند این چنین تیراندازی کند؟ امام پاسخ داد: ما توانایی کامل و تمام را از یکدیگر به ارث می بریم، همان کمال و تمامی که خداوند آیه اش را بر پیامبر نازل کرد: الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً؛ (سوره مائده، آیه 3) امروز دین را برای شما کامل کردم و نعمت خویش را برای شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین کامل برای شما برگزیدم. (دلائل الامامة، محمد بن جریر طبری، ص 4)

* عروج ملکوتی

جابر بن یزید جعفی یکی از مهم ترین تربیت شدگان مکتب باقرالعلوم(ع) است. او به مدت 18 سال در مدینه از محضر مبارک امام کسب فیض نمود و هزاران حدیث نورانی را در سینه خود جای داد. وی می گوید از امام باقر(ع) سؤال کردم که در آیه شریفه: و کذلک نری ابراهیم ملکوت السموات و الأرض (سوره انعام،

آیه 75) منظور از ملکوت آسمان ها و زمین که خداوند به حضرت ابراهیم نشان داد چیست؟ دیدم آن حضرت دستان مبارک خود را به طرف آسمان بالا برد و به من فرمود: نگاه کن تا بفهمی که نظاره گر چه چیزی هستی؟ من نوری را دیدم که از دستان آن حضرت به آسمان متصل شده است، به گونه ای که چشم ها را خیره

می کند و عقل ها را مات و مبهوت. آن گاه به من فرمود: حضرت ابراهیم(ع) ملکوت آسمان ها و زمین را این چنین دید. بعد امام دست مرا گرفت و به درون خانه برد. لباس خویش را عوض کرد و فرمود: چشم بر هم بگذار! بعد از لحظاتی گفت: می دانی کجا هستیم؟؟ گفتم: نه. فرمود: در آن ظلماتی هستیم که ذوالقرنین به آن جا گذر کرده بود. گفتم: اجازه می دهید که چشمانم را باز کنم؟ فرمود: باز کن اما هیچ چیز نخواهی دید. چون چشم گشودم در چنان تاریکی بودم که زیرپایم را نمی دیدم.

اندکی رفتیم باز هم فرمود: ای جابر! می دانی در کجایی؟ گفتم: نه. امام فرمود: بر سرچشمه ای که خضر(ع) از آن آب حیات خورده است. آن حضرت هم چنان مرا از عالمی به عالم دیگر می برد تا به پنج عالم رسیدیم. فرمود: ابراهیم(ع) ملکوت آسمان ها و زمین را این گونه مشاهده کرد. او دید که ملکوت آسمان ها دوازده عالم است و هر امامی که از ما از دنیا برود، در یکی از این عوالم ساکن می شود تا وقتی که ظهور قائم آل محمد(ص) فرا رسد.

امام باقر(ع) دوباره فرمود: چشم بر هم بگذار و بعد از لحظه ای فرمود: چشم بگشا! چون چشم گشودم خود را در خانه آن حضرت دیدم. آن بزرگوار لباس قبلی خود را پوشید و به مجلس قبلی برگشتیم. من عرض کردم: فدایت شوم چه قدر از روز گذشته است، فرمود: سه ساعت. (حدیقة الشیعه، مقدّس اردبیلی، ص 531)

* یاران استوار

امامان معصوم(ع) به جهت اهمّیت مسئله مهدویت و غیبت دوازدهمین حجت الهی در فرصت های مناسب با استناد به آیات قرآن از عصر ظهور سخن گفته و شیعیان را با ویژگی های دولت کریمه حضرت مهدی(عج) آشنا نموده اند. پنجمین فروغ امامت در توصیف یاران

قائم آل محمد(ص) به ابو خالد کابلی فرمود:

من به گروهی می نگریم که در آستانه ظهور از طرف مشرق زمین به پا می خیزند آنان برای رسیدن به حق و ایجاد حکومت الهی تلاش می کنند، به طوری که کسی نمی تواند جلو آنان را بگیرد. این حق جویان وقتی که حکومت را به دست گرفتند، آن را به غیر از ولی امر مسلمین به کس دیگری نمی سپارند. کشته های ایشان از شهیدان راه حق محسوب می شوند. امام باقر(ع)

در ادامه به ابو خالد فرمود: اگر من آن روزگاران را درک کنم، جانم را برای فداکاری در رکاب حضرت صاحب الامر(ع) تقدیم می‌کنم.

سپس در مورد استقامت و استواری یاران

حضرت مهدی (عج) به این آیه از قرآن استناد کرد: فاذا جاء وعد اولیہما بعثنا علیکم عباداً لنا اولی بأسٍ شدیدٍ فجاسوا خلال الدّیار و کان وعداً مفعولاً؛ (سوره اسراء، آیه 5) پس چون وقت انتقام اول فرا رسد بندگان جنگجو و نیرومند خود را بر ضدّ شما بر می‌انگیزیم،

به گونه ای که درون خانه های شما را جست و جو کنند و مجرمان را دستگیر نمایند و این وعده یک امر قطعی است. سپس آن بزرگوار فرمود: این بندگان پیکارجو و نیرومند که به طرفداری از حق به پای خیزند، همان آخرین حجت خدا و یاران وفادار او هستند.

(تفسیر عیاشی، ابونصر محمد بن مسعود سرقندی،

ج 2، ص 281)

* رجعت در عصر ظهور

یکی از امتیازات مکتب اهل بیت عصمت و طهارت(ع) اعتقاد و التزام به اندیشه و تفکر رجعت است. پیوندگان و سالکان کوی آن مکتب با الهام از آموزه های قرآنی و سنت بر این باور هستند که هنگام ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) عده ای از پیشینیان به زندگی این دنیا باز خواهند گشت. سپس دوباره قبض روح می شوند و در روز قیامت محشور خواهند شد. این اعتقاد مسلم شیعی بر گرفته از آیات قرآن است. در مقال وحی آیات زیادی به رجعت مردم در گذشته اشاره شده است، همچون: زنده شدن گروهی از قوم بنی اسرائیل،(ن ک: سوره بقره، آیه 55) زنده شدن عَزِیر بعد از صد سال،(ن ک: همان، آیه 259) داستان اصحاب کُهِف (ن ک: سوره کهف آیه 12) و زنده شدن مردگان به دست حضرت عیسی(ع)(ن ک: سوره آل عمران، آیه 49) نمونه هایی از رجعت افراد در اقوام گذشته است.

امام پنجم(ع) در سیره خود بر این باور و حیانی شیعه تأکید نموده و به این آیه شریفه استناد کرده است: و یوم نحشر من کلّ امّۃ فوجاً؛ (سوره نحل، آیه 83) و روزی فرا می رسد که ما از هر امّتی گروهی را زنده کرده و محشور می کنیم. این آیه به روشنی دلالت دارد بر این که قبل از قیامت گروه هایی از مردم زنده می شوند و به این دنیا باز می گردند. بنابراین قرآن نه تنها به موارد و مصادیق رجعت در این دنیا اشاره کرده، بلکه به رجعت گروهی نیز قبل از قیامت تأکید دارد.

سید مرتضی (ره) از دانشمندان بلند پایه مکتب اهل بیت(ع)

در مورد رجعت و توضیح سخن امام باقر(ع) می گوید: خداوند متعال در آستانه ظهور حضرت مهدی(عج) گروهی از اموات شیعه را زنده می کند تا به ثواب نصرت و یاری آن حضرت نائل آمده و نظاره گر تشکیل دولت کریمه آن حضرت باشند و طعم شیرین عدالت و حکومت ایشان را بچشند و گروهی دیگر از دشمنان اهل بیت(ع) را محشور می گرداند تا از آنان قبل از قیامت انتقام گرفته و این ظالمان در دنیا ذلت و خواری کفر و نفاق را احساس کنند. (مع الشیعة الامامية فی عقائد هم، آیت الله جعفر سبحانی، ص 139)